

**Journal iranian political sociology**  
**Vol. 5, No. 8 , Aban 2022**  
<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.350940.3703>

**Analysis of the Context and Role of the Peasants' Movement in the Constitutionalism of Guilan Based on the Resource Mobilization theory**

Received Date: 8 July 2022  
Reception Date: 24 Sep 2022

**Abstract:**

After Tehran and Azerbaijan, Guilan played an essential role in the process of constitutionalism and the establishment of the constitutional system in Iran. Unlike other Iranian regions where the constitutional revolution was led by the middle class, in Guilan, the Peasants' Movement had a strong presence in all stages of protests, gatherings, and movement towards the conquest of Tehran, and this action was aligned with the common interests of associations, committees and urban political parties. This study was therefore aimed at investigating the context and role of the Peasants' Movement in the process of constitutionalism in Guilan. It tries to collect its required data about the formation and role of the Peasants' Movement in the Guilan constitutional movement using the descriptive-analytical method and analyze the contexts and acting model of Gilani peasants based on Charles Tilly's resource mobilization model. The findings indicate that the participation of Gilani peasants in constitutionalism does not stem from their level of knowledge about constitutional goals. Gilani peasants generally did not know the concept of constitution and its resulting

---

ideal system. The history of peasant revolts in this region, the different geographical environment, their common interests on lands, the extreme oppression of the land owners, connection with the associations and the parties' use of peasants are considered the causes for the mobilization process of this movement.

**Keywords:** Resource mobilization, Peasants' Movement, Guilan, Constitutional Revolution

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۸، آبان ۱۴۰۱ صص ۲۶۰۴-۲۶۳۰

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.350940.3703>

## بررسی و تحلیل زمینه ها و نقش جنبش دهقانی در مشروطیت گیلان براساس نظریه بسیج منابع

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲

علیرضا زادبر<sup>۱</sup>

جلال درخشه<sup>۲</sup>

مجتبی مقصودی<sup>۳</sup>

### چکیده

گیلان، پس از تهران و آذربایجان در سیر مشروطه خواهی و استقرار نظام مشروطیت در ایران نقش اساسی ایفا کرده است. برخلاف سایر مناطق کشور که طبقه متوسط، راهبر انقلاب مشروطه بوده است در گیلان جنبش دهقانی در تمامی مراحل اعتراض، اجتماع و حرکت به سمت فتح تهران حضور پررنگ داشته و این کنش فعالانه با اشتراک منافع انجمن ها، کمیته ها و احزاب سیاسی شهری در یک راستا قرار یافت. از این رو این پژوهش با هدف بررسی زمینه ها و نقش جنبش دهقانی در فرآیند مشروطه خواهی گیلان شکل گرفته است. این مقاله با روش تحلیلی-تاریخی ضمن گردآوری داده ها لازم پیرامون نحوه شکل گیری و نقش آفرینی جنبش دهقانی در مشروطه گیلان براساس مدل بسیج

۱. دانشجوی دکتری رشته مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [Zadbar86@gmail.com](mailto:Zadbar86@gmail.com)

۲. استاد گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه های سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) [j.dorakhshah@yahoo.com](mailto:j.dorakhshah@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[maghsoodi2@yahoo.com](mailto:maghsoodi2@yahoo.com)

منابع چارلز تیلی می کوشد زمینه ها و مدل بازیگری دهقانان گیلانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که مشارکت دهقانان گیلانی، در مشروطیت به میزان آگاهی آنان از اهداف مشروطه باز نمی گردد. دهقان گیلانی بطور کلی مفهوم مشروطه و نظام ایده آل منتج از آن را نمی شناخت. سابقه شورش های دهقانی در این منطقه، محیط جغرافیایی متفاوت، اشتراک منافع بر سر زمین، ظلم بی حد ملاکین، ارتباط با انجمن ها و بهره بردن احزاب از دهقانان فرآیند بسیج این جنبش به حساب می آید.

**واژگان کلیدی:** بسیج منابع، جنبش دهقانی، گیلان، مشروطه

## مقدمه:

نهضت مشروطیت حرکت طبقه متوسط شهری بود که در پایتخت با هدف ایجاد تحول در نظام سیاسی سنتی ایران شکل گرفت. تا به اکنون ارزیابی از کامیابی یا شکست این حرکت جمعی، موضوع مورد مطالعه بسیاری از پژوهش‌ها بوده است. اما مبارزه در مسیر مشروطه خواهی محدود به جغرافیای تهران نبود، مقاومت مردم آذربایجان و در مرحله بعد سقوط سردار افخم در رشت که منجر به قدرت‌یابی مجاهدان گیلان شد در واقع مقدمه فتح تهران را فراهم آورد. پس از استقرار استبداد صغیر و محاصره تبریز توسط محمدعلی شاه بیم آن می‌رفت که انقلاب با شکست زود هنگام به دوران استبداد پیشین بازگردد و زحمات جمعی بر باد رود. نقش آفرینی مجاهدین گیلان و بختیاری‌ها در عزیمت به سمت تهران و لشکرکشی مشروطه خواهانی که در نهایت به فتح پایتخت انجامید در واقع آنان را در ایفای نقش تاریخی در موقعیت احیای انقلاب مشروطه قرار داد.

آنچه کمتر به آن پرداخته شده است بررسی فرآیند و میزان نقش آفرینی سایر استان‌ها و مراکز اثرگذار بر مشروطه خواهی ایرانیان در قالب یک مدل جامعه‌شناختی منسجم می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است این فرآیند و مسیر این نقش آفرینی با ارایه یک مدل، تبیین و شناخته شود. مدل بسیج منابع چارلز تیلی با مبنا قراردادن کنش جمعی و در نظر گرفتن عناصری نظیر منافع مشترک گروه‌ها، فرصت و هویت جمعی کیفیت کنشگری احزاب، کمیته‌ها و جریان‌ها را در مسیر نقش آفرینی سیاسی ارزیابی کند. تفاوت و وجه تمایز مشروطه گیلان این است که جنبش دهقانی در آن حضور فعال و پر قدرت دارد. در جریان تحولات مشروطه گیلان به ویژه مبارزات با حاکم مستبد گیلان سردار افخم که به نمایندگی از محمدعلی شاه دستور برخورد قاطع و سرکوب مشروطه گیلان را داشت، جنبش دهقانی برخلاف سایر نقاط ایران موضع انفعالی ندارد و بنا بر مجموعه‌ای از امتیازات در فرآیند مبارزه مشروطه خواهان نقش ایفا می‌کنند حتی آن‌گاه که رشت بعنوان مرکز استان و محل اصلی تجمع مشروطه خواهان با اختناق و شدت سرکوب سردار افخم رو به افول می‌گذارد، جنبش دهقانی قدرت سازماندهی و کنشگری خود را حفظ می‌کند. هدف نهایی در این پژوهش نشان دادن فرآیند بسیج جنبش دهقانی در مشروطه گیلان می‌باشد. با این ملاک، در مقاله حاضر کنشگری و روند نقش آفرینی جنبش دهقانی گیلان در جریان مشروطیت گیلان مورد مطالعه قرار گرفته است.

## ۱. بیان مساله

روایت تاریخی و توجه به نیروهای اجتماعی شرکت کننده و مدل بسیج آنها در انقلاب مشروطه عموماً نقش نخبگان سیاسی، فکری و اجتماعی از قبیل روشنفکران، علما و روحانیون، بازرگانان مورد توجه بوده است. عمده آثار پژوهشی ما روایت نوع رفتار نخبگان جامعه می باشد حال آنکه مردم بعنوان جمعیت سیاسی در تحولات نقش ویژه ای دارند. در این بین اگرچه انقلاب مشروطه از تهران آغاز شد و طبقه متوسط شهری در پایتخت را باید نخستین کنشگران این انقلاب بزرگ دانست و سپس باید به نقش آفرینی آذربایجان اشاره نمود اما بدون شک ضلع سوم این مثلث مشروطه خواهی گیلان است. این سخن درست است که گیلان آغازگر و بنیان گذار مشروطه ایران نبود و متأثر از تحولات مرکز و نزدیکی جغرافیایی به تهران قرار داشت اما گیلان در بسیج منابع و احیا مشروطیت پس از بازگشت استبداد صغیر توسط محمدعلی شاه نقش تعیین کننده داشت. از اینرو پرداختن به این نقش اهمیت دارد. این اهمیت زمانی بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت که به امتیاز و تفاوت اساسی حرکت مردم در گیلان در فرآیند "بسیج منابع" مورد تاکید چارلز تیلی توجه شود و آن امتیاز در مشروطه خواهی گیلانیان به نسبت سایر نقاط کشور، حضور جنبش دهقانی در عرصه است. در دیدگاه تیلی در مسیر شناخت انقلاب دو حالت وجود دارد: الف) وضعیت انقلابی ب) نتایج انقلاب. به عبارت دیگر ارزیابی و شناخت یک انقلاب بررسی و توجه به هر دو حالت است. در وضعیت انقلابی این شرایط مورد توجه قرار می گیرند: ۱. ظهور اشخاص منفرد و یا ائتلاف هایی که ادعاهای حذف کننده نسبت به هم در دستیابی به قدرت در کشور و یا بخش هایی از آن دارند. ۲. حمایت بخش وسیعی از طبقات مردم از این ادعاها. ۳. صاحبان قدرت حاکم در وضعیتی نیستند و یا نمی خواهند که ائتلاف های جانشین و یا حمایت هواداران آنها از ادعاهایشان را سرکوب کنند (تیلی، ۱۳۹۳: ۴۴). جنبش دهقانی گیلان در مرحله وضعیت انقلابی که در نهایت به بسیج منابع مشروطه خواهان ختم می گردد این فرآیند بالا را طی کرده است.

مدل بسیج منابع چارلز تیلی یک فرآیند است که از خلال آن چگونگی کنش جمعی بخشی از نیروهای اجتماعی جامعه که براساس منافع مشترک در یک جنبش عمومی با انگیزه ها و هویت جمعی حضور می یابند را نشان دهد. میزان انسجام، قدرت اثرگذاری، تسلط بر منابع قدرت، دامنه اعتراضات، شیوه مبارزه و بیان اعتراض و در نهایت روش به نتیجه رسیدن یا عدم موفقیت یک گروه مدعی انقلاب که حرکتی را علیه حکومت صاحب قدرت به راه می اندازند براساس این مدل تیلی قابل

شناسایی، مسیریابی حرکت و تبیین است. اینکه در این مسیریابی حرکت جامعه تیلی به منافع گروه‌ها، سازماندهی در بستر کنش جمعی متقابل اهمیت می‌دهد و انتخاب فرد جهت مشارکت در یک انقلاب را انتخاب عقلانی فرد برمی‌شمرد. از طرف دیگر در وقوع و شکل‌گیری یک انقلاب گروه‌های مختلفی به تناسب ظرفیت مشارکت دارند که هر کدام از آنها مبتنی بر میزان تسلط بر منابع و توان سازمان دهی نقش ایفا کرده و سهم در پیشبرد حرکت دارند. حرکتی که در سایر نقاط کشور به این کیفیت و استمرار سابقه ندارد. ارتباط و بهره‌گیری انجمن‌ها و احزاب سیاسی مشروطه خواه در گیلان از جنبش دهقانی در فرآیند بسیج منابع بیانگر سیر حرکت آنان جهت سقوط حاکم منصوب محمدعلی شاه و سپس عزیمت به تهران است. پرسش اصلی مقاله حاضر این است؛ چرا و مبتنی بر چه زمینه‌هایی برخلاف سایر نقاط کشور جنبش دهقانی در مشروطه گیلان کنشگری فعالانه دارد و مسیر این بسیج‌کنندگی نیروها چیست؟

۲. پیشینه و نوآوری:

با وجود اهمیت واکاوی تاریخ سیاسی معاصر در زمینه تاریخ مشروطیت از لحاظ کمی آثار قابل توجهی در زمینه نقش گیلان و جغرافیای شمال ایران در مشروطیت نگاشته نشده است و آن دسته از نویسندگان و پژوهشگرانی که این موضوع پرداخته اند عموماً به نقل وقایع تاریخی توجه داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به دو مقاله که مرتبط با پژوهش حاضر می‌باشند اشاره نمود: مقاله نخست؛ نگرش جامع شناختی به جنبش‌های روستایی گیلان در عصر مشروطه در فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، تلاش داشته است خاستگاه جامعه شناختی جنبش دهقانی گیلان را تبیین نماید. نویسنده مقاله نصراله پورمحمدی املشی این عوامل موثر را مورد توجه قرار داده است: محیط جغرافیایی، روانشناختی اجتماعی، زمینه‌های تاریخی و تحولات نوسازی و گروه‌های سیاسی و مذهبی جدید. مقاله دوم؛ جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه، پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران. با بررسی روزنامه‌های عصر مشروطه به روش توصیفی - تحلیلی اقدامات دهقانان گیلانی در برابر اربابان و صاحبان قدرت را مورد توجه قرار داده است. کنش‌هایی نظیر نپرداختن بهره مالکانه، زد و خورد و درگیری با مالکان، اخراج آنان از روستاها و تشکیل انجمن روستایی از مهم‌ترین اقدامات جنبش دهقانی گیلان برشمرده شده است. در نهایت در این مقاله نویسندگان اعظم اسماعیل زاده و علی رضا علی صوفی عدم حمایت مجلس و انجمن ولایتی گیلان از دهقانان را عامل شکست جنبش دهقانی و بازگشت نظام ارباب و رعیتی در گیلان می‌داند. مقاله حاضر تلاش دارد مسیر و مدل نقش آفرینی

دهقانان در مشروطه گیلان را براساس نظریه بسیج منابع چارلز تیلی نشان دهد. ارائه یک چارچوب نظری و مدل جامعه شناختی با هدف بازخوانی چگونگی کنشگری جنبش دهقانی گیلان در انقلاب مشروطه مهمترین تاکید و تمایز پژوهش حاضر است با این هدف دیگر این امکان وجود ندارد که برای تبیین نقش جنبش دهقانی صرفاً وقایع تاریخی را نقل کرده و سیر حوادث را برشماریم.

### ۳. مفاهیم اصلی:

#### ۳-۱. بسیج منابع

بسیج فرایندی است که به واسطه ی آن، گروهی از حالت مجموعه ی منفعلی از افراد به مشارکت کننده ی فعال در زندگی عمومی تبدیل می شوند. بسیج منابع نیز به معنی تلاش برای دستیابی و بهره گیری از تمام منابعی است که می تواند در جهت پیشبرد عمل جمعی و تحقق اهداف گروه، موثر باشد. منابع می تواند شامل منابع اجبار و تهدید، امکانات مالی، شبکه های ارتباطی و اطلاع رسانی و حتی منابع هنجاری و ارزشی مانند تعهد، وفاداری و احساس تکلیف باشد. کنش جمعی به اقدام مشترک اعضای یک گروه مدعی، برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشترک، گفته می شود و تابعی است از منافع مشترک، میزان انسجام و سازمان یافتگی گروه، احساس هویت مشترک و تعهد و وفاداری اعضای گروه نسبت به یکدیگر، و البته میزان منابع در اختیار گروه. (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴، ۱۰۵ و ۱۲۸).

#### ۳-۲. جنبش

جنبش یا نهضت، حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین است که می تواند انقلابی یا اصلاحی باشد (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۶۹). جنبش اجتماعی بر پایه تضاد و تخصص شکل می گیرد. حال این تضاد و تخصص می تواند بس غلیظ و شدید و یا خفیف و علنی یا ضمنی باشد. علاوه بر آن تضاد مورد بحث می تواند کلیت یک نظام را در بر گیرد و دگرگونی ای بنیادین را تعقیب نماید و یا کلیت نظام را پذیرفته، تغییری محدود در بخشی از جامعه را طلب کند. در کنار شرایط مزبور و شاید مقدم بر آن‌ها باید به وجود نارضایتی اجتماعی اشاره کرد. در واقع زمانی که انسان‌های ناراضی از طریق عمل جمعی مشترک متحد می شوند، نطفه ی جنبش اجتماعی بسته می شود (پیران، ۱۳۸۴: ۳۹).

#### ۴. روش تحقیق

بطور کلی دانش ما از گذشته براساس مدارک و اسناد است. در این تحقیق تاریخی نیز به دنبال دلالت کننده های غیرقابل مشاهده و غیر عینی هستیم. بر همین اساس مبنای این پژوهش با روش



توصیفی-تحلیلی می باشد و در جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و اسنادی(اسناد و آرشیو مطبوعات، فصلنامه ها، خاطرات شخصی ) بهره برده شده است. ابزار مورد استفاده نیز فیش برداری می باشد.

### ۵. چارچوب نظری

نظریه ی بسیج منابع چارلز تیلی یکی از نظریه های تعارض سیاسی است. بر اساس این نظریه که در کتاب او «از بسیج تا انقلاب» آمده است، در همه ی سطوح یعنی در جامعه، در دولت یا بین این دو همواره منازعه بر سر کسب قدرت سیاسی وجود دارد. پدیده هایی همچون انقلاب ها، شورش ها، جنبش های اجتماعی، توطئه های سیاسی، و حتی بسیاری از کودتاها، انواع مختلفی از کنش های جمعی هستند که با هدف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییری در جامعه اتفاق می افتند. بدین منظور نظریه پردازی درباره کنش های اجتماعی برای نیل به شناخت درباره این پدیده ها بسیار ضروری است (تیلی، ۱۳۹۶:۱۲). بر مبنای این نظریه، تا زمانی که درباره ی مفید بودن نظام سیاسی میان اعضای جامعه توافق وجود دارد، و این امر نیز مستلزم کارکردهای مناسب آن نظام است، ثبات جامعه حفظ می شود. به نظر تیلی جنبش های اجتماعی معمولاً به عنوان وسیله ی بسیج منابع گروهی، هنگامی پدید می آیند که یا مردم هیچ گونه وسایل نهادی شده ای برای بیان خواسته های خود ندارند و یا نیازهایشان مستقیماً توسط دولت سرکوب می شود(هراتی، حسینی، ۱۳۹۸:۶۶).

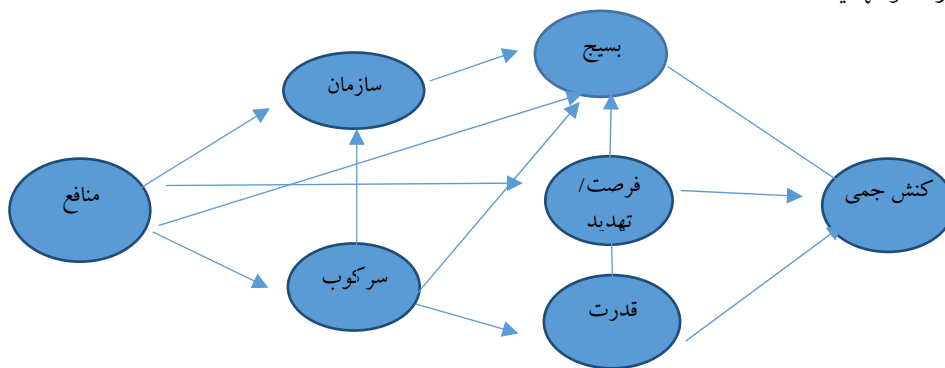
نظریه بسیج منابع بر این نگرش متکی است که پدیده های اجتماعی نتیجه تصمیمات و کنش های فردی اند. این نظریه بر مبنای فرضیات نظریه (انتخاب عقلانی) مطرح شد که بر اساس آن مشارکت فرد در جنبش های اجتماعی، عقلانی است. به این ترتیب این نظریه با نظریات قبلی در جامعه شناسی امریکایی به مخالفت برخاست، که بر اساس آنها شرکت در جنبش ها دارای انگیزه روانی و واکنشی کم و بیش غیر عقلانی به شرایط اجتماعی هستند (نش، ۱۳۹۳:۱۴۴). نظریه جنبش های اجتماعی تیلی ذیل عنوان نظریه های تعارض سیاسی که خود تحت نظریه های سازماندهی و بسیج منابع قرار دارد، دسته بندی می شود. تیلی نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می دهد و آن را عبارت می داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک». کنش جمعی از دید وی ناشی از ترکیب های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است(تیلی، ۱۳۹۶:۱۵).

مطالعات چارلز تیلی ترکیبی از تحقیقات آرشیوی تاریخی، مقایسه میان دوره های زمانی و کشورها و تحلیل رویدادها بود و در موارد لزوم، از مدل های آماری برای انجام مقایسه ها استفاده کرده بود.

تیلی برای هدایت تحلیل ها به سوی جنبه های اجرایی و تبیین بسترهای شکل گیری جنبش های اجتماعی، بزرگترین نقش را ایفا کرده است. او در تحقیقات خود در پی فهم چگونگی تکامل الگوهای اعتراضی در خلال دو قرن گذشته بوده است، یعنی آنچه عموماً از آن به عنوان تاکتیک یاد و به کار گرفته می شود - تاکتیک هایی مانند راهپیمایی، تظاهرات، نشست، طومار، رژه، بست نشینی، اعتصاب و... این اشکال طی قرن های نوزدهم و بیستم به موازات تکامل دولت دموکراتیک مدرن شکل گرفته اند (جانستون، ۱۳۹۸: ۴۵).

سه عامل ظرفیت گروه ها را برای کنش جمعی تعیین می کند: ذخیره منابع موجود آنها، میزان مساعدت محیط با کسب منابع بیشتر (که بستگی به این امر دارد که آیا ذخایری از منابع جامعه که در دست آن گروه قرار ندارد اندک است یا زیاد و چه میزان رقابت از سوی دیگر مدعیان صورت می گیرد) و، مهمتر از همه، ساختار سازمانی گروه. در جایی که گروه به صورت جماعتی باشد، بدین معنا که ساختار گروه کوچک، محلی و تمایز نیافته باشد، گروه ها خواستار وفاداری هستند اما نمی توانند از تعهدات استفاده کنند و به سازماندهی در مقیاس بالا بپردازند؛ در جایی که گروه تأسیسی باشد، یعنی دارای ساختارهای بزرگ، گسترده و پیچیده باشد، گروه ها دارای تعهد کمتر، اما ظرفیت سازماندهی مؤثری در آن مقیاس هستند. تیلی معتقد است که این بُعد اخیر در الگوهای خاص کنش جمعی موجود میان گروه های جماعتی که به صورت ناهماهنگ و در سطح محلی عمل می کنند، و نیز گروه های تأسیسی ای که کنش جمعی برنامه ریزی شده، منظم و در مقیاس بالایی را آغاز می کنند، مشاهده می شود (تیلور، ۱۳۸۸: ۱۵). کنش جمعی در جنبش ها سرایت پذیر می باشند و می توانند در سایر جنبش ها به الگو تبدیل شوند. تلی معتقد است که هنگامی که جنبش های اجتماعی در یک محیط سیاسی به وجود می آیند، الگوبرداری، ارتباطات و تشریک مساعی باعث تسهیل این امر می شود که محیط های مرتبط دیگر نیز از آنها اقتباس کنند. انتقالات اغلب در درون یک رژیم از کانون های اولیه ی جنبش های اجتماعی - در بیشتر موارد ادعاهای مربوط به حکومت های ملی - به دیگر هدف های تقاضا یا حمایت مانند رهبران محلی، زمینداران، سرمایه داران، یا شخصیت های مذهبی صورت می گیرد (تیلی، ۱۳۹۶: ۴۴). به نظر تیلی جنبش های اجتماعی معمولاً به عنوان وسیله ی بسیج منابع گروهی، هنگامی پدید می آیند که یا مردم هیچ گونه وسایل نهادی شده ای برای بیان خواسته های خود ندارند و یا نیازهایشان مستقیماً توسط دولت سرکوب می شود (هراتی، حسینی، ۱۳۹۸: ۶۶). بطور کلی باید گفت نظریه بسیج منابع در ابتدا برای تحلیل انتخاب های فردی و

سازمان جنبش‌های اجتماعی مطرح شد اما اکنون کسانی که روی این نظریه کار می‌کنند به گونه‌ای فزاینده به ایجاد هویت های جمعی و به چالش کشیدن رویدادها و مسائل اجتماعی توجه نشان می‌دهند (نش، ۱۳۹۳: ۱۳۰) بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است. و فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴). چارلز تیلی با هدف سنجش و تبیین روش بسیج کنشگران در قالب یک جنبش یا انقلاب پنج متغیر اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد. در الگوی زیر روابط این پنج متغیر در مسیر بسیج کنندگی نیروها نشان داده شده است. منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی و فرصت. در واقع تیلی با این مدل قصد دارد بازیگری یک کنشگر را در عرصه مبارزه جمعی نشان دهد. لازم به ذکر است که متغیر فرصت از سه عنصر تشکیل شده است: سرکوب، قدرت و تهدید.



الگوی شماره یک مدل بسیج منابع (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۹).

در مدل تیلی، منافع بعنوان متغیر مستقل عمل می‌کند که بصورت مستقیم بر سایر متغیرها اثر گذار است. او دو مبنای تعیین منافع بیان می‌دارد:

- ۱- منافع را از اظهارات و کنش های جمعیت استنتاج کرد.
  - ۲- آن را از تحلیل کلی روابط میان منافع و موقعیت اجتماعی استنباط کرد (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵)
- در این الگو، منش جمعی یک گروه، از یک سو به ظرفیت ها و ویژگی های درونی خاص آن، نظیر میزان منابع در اختیار، میزان همبستگی و علایق و منافع مشترک میان اعضا، توان سازماندهی و بسیج منابع از سوی آن گروه بستگی دارد، و از دیگر سو، متاثر از متغیرها و شرایط بیرونی، همچون

قدرت نظام سیاسی برای مقابله با مخالفین (سرکوب)، میزان آمادگی حکومت برای واگذاری امتیاز (تسهیل) و همچنین وجود شرایط مناسب جهت کنش جمعی (فرصت) است (دهقان نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۶، ۱۰۵). هسته مرکزی نظرات و پیش فرض تیلی ارتباط بین بسیج و کنش جمعی در فهم چگونگی شکل گیری انقلاب هاست. به این معنا که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان مدعی بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می شود. علاوه بر این، قدرت آن افزایش می یابد همچنین منابعی که هزینه می کند، کمتر شده و به نتیجه بیشتری دست می یابد. به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت / تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۵). یک رکن مهم در مدل بسیج منابع تیلی توجه به سازمان دهی مخالفین است. سازمان دهی مخالفین از طریق بسیج منابع قدرت انقلابیون را افزایش می دهد و در نهایت، این سازمان دهی و بسیج کنندگی منابع زمینه ساز انتقال قدرت و وقوع انقلاب می شود. اشتراک هویت و قدرت ساختارهای متحد کننده میزان سازمان یافتگی یک گروه را تعیین می کند. سازمان باعث ارتقاء بسیج می شود. یعنی هر چه گروه سازمان یافته تر باشد، بسیج منابع آن گروه و به تبع آن، امکان دست یابی به قدرت افزایش می یابد.

#### ۶. سابقه بسیج منابع و سازمان دهی دهقانان در گیلان پیش از مشروطه

مبارزات دهقانی در گیلان سابقه ای به قدمت تاریخ این سرزمین دارد. عجین شدن زندگی در این سرزمین با کشاورزی و زندگی دهقانی تا بدان پایه بوده که بسیاری از ساکنان شهرهای این ناحیه، عملاً دهقانان و کشاورزان شهرنشین بوده اند. وضعیت زندگی در روستاهای گیلان هم از جهات گوناگون با روستاهای مناطق درونی ایران تفاوت داشته است. این اختلاف فقط به شرایط آب و هوایی محدود نمی گردید، چرا که به دنبال آن تفاوت های دیگری نیز به همراه آمده است. شکل روستاها، نحوه ی ساخت خانه ها، فاصله ی روستاها باهمدیگر و فاصله ی آن ها از شهر نیز شرایطی را فراهم می سازد که در فرایند شکل گیری جنبش های اجتماعی مؤثر بوده است. به لحاظ مجاورت روستاهای منطقه ی خزری روستایان بهتر می توانستند همدیگر را در عرصه ی مسائل اجتماعی پیدا نمایند و در صف آراییی در مقابل ارباب و حکام محلی که غالباً سرنوشت مشترک داشتند به یکدیگر مساعدت نمایند. روستاهای گیلان معمولاً به هم نزدیک هستند و در بعضی موارد نیز در مجاورت شهرها قرار گرفته اند بطوریکه روستایی شمال به راحتی به شهر و امکانات شهری دسترسی داشت و ضمن قرار گرفتن در جریان مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه، عصر همان روز نیز به منزل / روستای خویش

برگردد ( پورمحمدی املشی، همان: ۵۶). رابینو گزارش می دهد که رعایا و سواران همواره از روستاهای اطراف رشت برای کمک به شهر می آمدند و پس از بازگشت شرایط مطلوب به آبادی های خود باز می گشتند (رابینو، ۱۳۶۸: ۲۱).

یکی از مهم ترین جنبش های روستایی در عصر صفوی گزارش شده است. یعنی زمانی که سلاطین صفوی حکمرانان و فرمانروایان مستقل این سرزمین را برانداختند و نمایندگان خود را به عنوان حکام محلی در این منطقه قرار دادند. از مشهورترین و مهم ترین این جنبش های روستایی شورش و عصیان مردم قیام دهقانان با رهبری غریب شاه گیلانی در سال ۱۰۳۸ هجری قمری بود. اگرچه این جنبش اهداف سیاسی را دنبال می کرد ولی شاکله اصلی این قیام را روستائینی تشکیل می دادند که اهداف و آرمان خویش را در استقلال سیاسی حکام محلی می دیدند. و از همین رو بنظر می رسد که بن مایه چنین کنش اجتماعی در تاریخ گیلان به سبب تکرار و تجربه تقویت شده بود. از جمله قیام روستاییان بخش خاوری گیلان در قرن هشتم علیه امیران فنودال ناصرونند و قیام کشاورزان لشت نشاء، به رهبری امیره دوباج در عصر صفوی (عبدالفتاح فومنی، ۱۳۴۹: ۵۸). سابقه ی حضور دهقانان ایرانی در این قیام ها نشان می دهد که پیش کشیدن توجیهاتی چون روانشناسی اجتماعی جوامع روستایی و خصلت هایی چون قدری بودن دهقانان، سنت گرایی آنان، محافظه کاری و... روستاییان اگرچه بیان گر بخشی از واقعیات است اما همه ی واقعیات نیست. به عبارت بهتر این نظر که دهقانان مفعول تاریخند و در سیر تحولات نقشی ندارند نظری پذیرفتنی نیست. (مور، ۱۳۷۵: ۴۰)

#### ۷. فرآیند بسیج دهقانی در گیلان و نقش آنان در مشروطه ایران

مشخص نبودن منابع دهقانان در سطح ملی و مشکلات سازماندهی آنان در روستاهای جدا و پراکنده ی ایران مانع از آن شد که دهقانان به عنوان یک طبقه در جریان انقلاب مشروطیت شرکت داشته باشند اما در عصر مشروطه، جنبش های دهقانی چندی در برخی از مناطق کشور رخ داد. (هراتی، ۱۳۹۸: ۶۶) جنبه ی غالب این اعتراضات همانا شیوه ی تظلم خواهی آن است که رعایا سعی داشتند با نامه نگاری و شرح مصایب خود دل صاحب قدرتی را به رحم آورند تا شاید مقداری از بار ظلم آن ها کاسته شود. این اعتراضات تفاوتی بزرگ با اعتراضات دهقانی در آذربایجان و گیلان داشت. در حقیقت همانگونه که میان اعتراضات شهری این مناطق با اعتراضات شهری در نواحی دیگر این تفاوتها مشهود بود (جعفریان، ۲۰۷: ۱۳۸۵)

بررسی جنبش روستایی در گیلان عنوانی است که شامل همه اقشار مختلف مردم روستایی گیلان می باشد. این در حالی است که بیشتر تحقیقات جنبش دوره مشروطه گیلان را با عنوان «جنبش دهقانی» مطرح نموده اند و به نظر می رسد چنین عنوانی گویا نباشد. چون کنش اجتماعی را به بررسی می نشیند که در آن صیادان و پرورش دهندگان کرم ابریشم نیز شرکت داشتند. بنابراین عنوان دهقان برای بررسی این حرکت جمعی رسا نیست و مناسب تر است اصطلاح جنبش روستایی را بکار ببریم. از طرف دیگر گروه بسیاری از کشاورزان که در این حرکت اجتماعی بودند در شهرها زندگی می کردند ولی شیوه فعالیت اقتصادی آن ها و حتی مناسبات اجتماعی و اقتصادی غالباً در چارچوب نظامات اجتماعی روستایی گیلان می گنجد. بنابراین در تبیین علی جنبش روستایی گیلان در عصر مشروطه، لازم است میدان علت را وسیعتر دید چون موقعیت جغرافیای روستاهای گیلان (ساحلی، جنگلی، کوهپایه ای و کوهستانی)، شیوه تولید و نوع تولید (صیادی، چایکاری، شالیکاری، پرورش کرم ابریشم) زمینه های گوناگون کنش های اجتماعی را می طلبد (پورمحمدی املشی ۱۳۸۶: ۵۲). یک نمونه از این دست قیام ها که قابل تفکیک از شورش دهقانی نمی باشد و در شیوه فعالیت بنا بر جغرافیای گیلان ذیل اقدام دهقانی لحاظ می گردد مساله اعتراض صیادان است که روزنامه انجمن تبریز به آن واقعه واکنش نشان داده است: (... صیادها باز به شورش آمده می گویند ما ماهی صوف را که قیمت آن از قرار هزار عدد پنجاه تومان است، اجباراً به لیانازوف به هفت هزار نخواهیم داد. به وکلای آذربایجان نیز اظهار نموده اند ایضا سماکهای توابع انزلی ازدحام نموده اند که صید ماهی سفید هر چه از مرداب و رودخانه ها می شود، نباید حمل به خارجه شود، باید اول صاحبان آن به قیمت عادلانه بفروشند و ما آن ها را دودی کرده و نمک کرده به داخله ی مملکت بفروشیم هم به خارجه بفرستیم یا به خارجه و رعایای آن بفروشیم ولی بیچاره ها قدری از قاعده خارج شده اند برای اینکه چندین سال است که امتعه ماهی به خارجه می رود. باید متاع مملکت به خارجه برود تا پول بیاورد. به حمدالله ماهی وفور است هم به داخله می رسد هم اضافه آن به خارج می رود. باید کاری کرده که همت ارمنی لیانازوف را کوتاه کرد. بانک ملی اول قرضش این است امتیاز صیادی سواحل بحر خضر را خود عهده کند و دست ارمنی را قطع کند و این بهره عاید به خود ما و بانک ملی باشد. (روزنامه ی انجمن تبریز، ۱۳۲۴، شماره ۶۳) در درگیری بین صیادان انزلی و حکومت، یک نفر صیاد کشته شد. (رایینو، ۱۳۶۸: ۶۳). گستردگی و تنوع در دسته بندی و شیوه فعالیت اقتصادی متکثر روستاییان با

توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی و طبیعت گیلان (دسترسی آسان به آب و خاک حاصلخیز) این منطقه را از جهت جمعیت فعال کشاورز از سایر نقاط کشور متمایز می‌سازد. در کتاب نارنجی آمده است که در فومن صادق‌الرعا مالک ثروتمند منطقه را در املاک خود به قتل رساندند. در روستاهای گیلان مامورین حکومتی و نوکرهای مالکین را به چوب می‌بستند و آن‌ها مجبور به فرار می‌شدند. تا جایی که ملاک فومن حاجی سید رضی به سبب تهدید روستاییان عازم تهران شد. اعتصاب دهقانان در رشت به اخراج زمینداران و مباحثان از روستاها انجامید. بطوری که، عده از مالکان به خاطر اخذ سهم مالکانه کتک خوردند و از روستاها اخراج شدند. در ۲۳ مارس ۱۲۸۷/۱۹۰۷ پانصد دهقان در مسجدی در رشت علیه زمینداران بست نشستند و اعلام کردند که دیگر مال الاجاره نمی‌دهیم. حتی مجلس تهران نیز دهقانان را به خاطر عدم پرداخت سهم مالکانه محکوم نمود و هشدار داد در صورت مقروض بودن دهقانان پيله ابریشم خود را می‌باید تحویل مالکان دهند (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

آگاهی سیاسی جامعه روستایی گیلان به موقعیت جغرافیایی آن و فاصله کم آن‌ها با همدیگر و فاصله کم روستاها از شهر بر می‌گشت که در فرایند شکل‌گیری جنبش روستایی موثر بوده است. روزنامه‌ی آموزگار وضعیت دهقانان گیلان را هم‌زمان با نهضت مشروطه چنین می‌نویسد: «چون ما به حال رنجبران نظر نماییم، می‌بینیم قوت لایموت را در کمال سختی و بدبختی تحصیل می‌نمایند و غالب مجبور به دزدی و تقلب می‌شوند و اغلب رنجبران، محلی برای سکنی ندارند و عمیقا قادر نیستند اولاد خود را به مدرسه بسپارند و همگی از داشتن سواد فارسی محرومند تا چه رسد به معلم؛ و خصوصا زارعین، حتی قادر به شوهر دادن دختران خود نیستند و بالاخره زندگی غالب رنجبران به اندازه زندگی بهایم هم نیست. (روزنامه آموزگار، ۱۳۲۹ق: ش ۲، ۳) گزارش‌های یان دوره از افزایش ۲۰ درصدی مالیات‌ها خبر می‌دهند: «در گیلان، حکومت محلی برای یافتن منابع تازه درآمد، اقداماتی در جهت تقسیم زمین‌های خالصه صورت داد در ضمن اینکه مالیات زمین به میزان ۲۰٪ افزایش یافت.» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۴/ ۶۱)

نسیم شمال در اشعار خود وضعیت دهقانان گیلان را چنین به تصویر می‌کشد:

جگری نیست که خونین ز غم دهقانان نیست  
 علت آنست که انصاف درین ویران نیست  
 یک طرف زارع بیچاره به صد رنج و عذاب  
 غرق در مزرعه گردیده میان گل و آب  
 (نسیم شمال، ۱۳۲۷: ش ۴/۵۴)

بنابر گزارش سال ۱۸۷۷ م / ۱۲۹۴ ق هنری لیونل چرچیل کنسول انگلیس در رشت، جمع کنندگان مالیات، رقمی بیش از ده تا بیست درصد بیشتر از آنچه قرار بود، از دهقانان اخذ می کردند و مادامی که از این حد فراتر نمی رفتند، دهقانان احساس رضایت می کردند. همچنین، حکام باید پیشکش زیادی برای ادامه فرمانروایی خود به شاه بپردازند. (همان: ۹۴) همچنین نیاز شهرها به روستاها و روستاییان در این ناحیه تا بدان حد بوده که از قدیم الایام به فصل بهار که موسم کار دشوار کشاورزی بوده و روستاییان به سان سایر فصول امکان حضور در شهر و خرید از مغازه داران و کسبه را نداشته اند «گدا بهار» گفته می شده است. این واژه به وضوح نشان از تأثیر رفت و آمد جمعیت روستایی در زندگی شهری این مناطق داشته و دارد. (پناهی، ۲۰۸:۱۳۹۳)

اقتدار اجتماعی گیلان در دوره قاجاریه، از نظر جایگاه اجتماعی قدرت، ثروت و نفوذ شامل گروه های زیر می شدند: ۱- حکام و عوامل دولتی ۲- روحانیون ۳- ملاکین و خوانین ۴- تجار و اصناف شهری ۵- کشاورزان و کارگران که اکثریت جمعیت گیلان را تشکیل می دادند. (فاخته جوبنه، ۱۳۷۱: ۲۴۲) در اینجا هدف بررسی اکثریت جمعیت گیلان یعنی دهقانان و فرآیند بسیج و مشارکت آنان در انقلاب مشروطه است. جمعیت سیاسی بزرگی که در تحلیل و تبیین نقش مردم نادیده انگاشته شده اند.

روابط طبقه بالای سنتی و طبقه کشاورز را طی قرنهای می توان از حیث روابط ارباب - رعیتی درک کرد. گرچه رعیت دارای موقعیتی فرودست بود، اما می توانست به شیوه های مختلف قدرت کنترل کننده ای را بر ارباب اعمال کند. اولاً، ار ارباب انتظار می رفت رعیت را زنده نگه دارد و این به معنای تامین غذا، لباس، سرپناه و دارو بود. طی دوران قحط سالی، زلزله، آفت و جنگ رعیت می توانست با برانگیختن نمایندگان ارباب علیه یکدیگر و نیز علیه ارباب، به اهداف معینی دست یابد. رعیت همچنین از ارباب و نمایندگان انتظار داشت که از وی در مقابل حکومت و سیاست هایش حمایت کنند. ساختار طبقاتی ایرانی - اسلامی طی قرن ها در قالب الگوی با ثبات روابط متقابل و نامتوازن در هم تنیده است. به رغم شکست های گهگاهی الگوی قدرت فردی و گروهی، طبقات بر اساس پیوند بادوامی از تنش توازن یافته با هم تعامل داشتند. اما با آغاز قرن بیستم، پیشروان طبقه ای جدید فرصت یافتند و در صحنه ی اجتماعی ظاهر شدند. (آلن بیل، ۱۳۸۷: ۳۹)

دهقانان سهم بر به همراه خوش نشینان ستون فقرات جامعه ی دهقانی گیلان را تشکیل می دادند، آنان از مالکیت زمین محروم بودند. زارعان سهم بر از حق کشت نسق بهره مند بودند، اما روستاییان



خوش نشین از این حق مهم محروم بودند، این خوش نشین ها برای معیشت خود مبارزه می کردند(هراتی، ۱۳۹۸:۶۸). در همه جای گیلان روابط بین ارباب و رعیت کشتکار برنج یکسان نبود. اما یک چیز در همه جا مشترک بود؛ محور قرار داشتن زمین به عنوان سهم ارباب و عدم در نظر گرفتن عوامل پنج گانه که تقریباً در تمام ایران سهم بری طرفین را تعیین می‌کرد. در واقع سهم بین ارباب و رعیت در کشت برنج سهمی بیش از هر جای ایران بود که بر اساس سهم بری عوامل تولید تعیین می‌شد (عظیمی، ۱۳۹۶:۳۵۹). ناگفته پیداست که با وجود روابط بهره کشانه ای که در گیلان بین زارع و مالک وجود داشت وضع دهقان گیلانی در قیاس با دهقانان دیگر مناطق ایران به دلیل بهره مندی از اقلیم و جغرافیای طبیعی متفاوت و به ویژه به سبب وفور منابع غذایی غیرتولیدی یعنی آن بخشی که از طریق جمع آوری و شکار به دست می‌آمد و به طور عموم از منابع طبیعی مشاع صید یا جمع آوری می‌شد، به مراتب بهتر بود.(همان:۵۴)

خواسته های کشاورزان روستایی عمدتاً، عدم پرداخت مالیات و مال اجاره بود. آن ها خواستار حمایت از مشروطه ای بودند که به وضعیت آن ها به طور قانونی به عنوان رعایای مطلق مالکان و حکمرانان محلی خاتمه دهد. البته هدف شاهان قاجار از سیاست مالیات گیری نامعقول ؛ علاوه بر تأمین هزینه های دربار ، موارد دیگری هم بوده است. یکی از اصلی ترین این اهداف به قول «لرد کرزن» آشنا کردن رعایا با ابهت پادشاه بوده. (کرزن، ۵۵۳: ۱۳۶۲) زمانی که وی از آقامحمدخان خواسته بود اندکی بر رعایا آسان تر بگیرد تا آنها هم «دعا و نیایش بیشتری برای او بکنند.» آقامحمدخان در خشم شد و گفت : اندیشه ات خام و خطاست! زیرا تو با دهقان نزیسته ای و تصویری از این عوام الناس نداری. هنگامی که دهقان کاری نداشته باشد در اندیشه ی ضرورت برکنار کردن رئیسان و حکام می شود. اگر مردم فراغتی بیابند دیگر تابع حکام نخواهند شد و اندیشه هایی بسیار در سرشان خواهد افتاد... این قشر پایین را چنان باید با کار مشغول کرد که ابدا فراغتی نیابند.(هدایت، ج ۹، ۱۳۸۰:۱۱۷).

#### ۷-۱-۱ مدل مدنظر بسیج منابع جنبش دهقانی گیلان

بطور کلی مدل بسیج منابع جنبش دهقانی گیلان در انقلاب مشروطه براساس الگوی تیلی با تمرکز بر این مقدمات قابل رصد و تبیین است. ابتدا می بایست به دو قدرت توجه داشت؛ نخست قدرت مستقرسیاسی یعنی حاکم نماینده قاجار در گیلان، سردار افخم که انقلاب در زمان حضور او شکل می گیرد و به موفقیت می رسد و در مرحله بعد قدرت مدعی که در تعارض با قدرت مرکزی

در تلاش است در دیدگاه تیلی آن گروه مدعی قدرت سیاسی یا همان رقیب قدرت مستقر اینجا جنبش دهقانی است، این جدال قدرت سیاسی و اجتماعی که در اینجا توسط دهقانان نمایندگی می‌شود از ظلم بی حد ملاکین و نظام ارباب و رعیتی رنج می‌برد. این ساختار ظالمانه و مستمر دهقانان را به یک هویت مشترک می‌رساند. هویتی که در تعریف خود مظلوم بودن را در رتبه نخست قرار می‌دهد. اما هر زمان که خلا قدرت از سمت دولت مرکزی و پراکندگی مراکز قدرت سیاسی با بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات پی در پی حکام گیلان همراه می‌گردد فضای برای جنبش دهقانی برای کنش‌گری و اعتراض مهیاتر است. این همان فرصت و تهدید در الگوی تیلی است که به عنصر دیگری به نام منافع مشترک محتاج است. منافع مشترک جنبش دهقانی گیلان که ضمن آن هویت جمعی ایجاد می‌شود صرفاً تحت ظلم صاحبان قدرت بودن نیست، دهقان گیلانی در کشاورزی و اقتصاد کشاورزی به دو دلیل متضرر شده است: نظام ناعادلانه توزیع ثروت و بی‌ثباتی اقتصاد کشاورزی سنتی گیلان متأثر از تحولات صنعتی در روسیه، تأثیری که باعث بلعیده شدن کشاورز خرد می‌شد. دهقان گیلانی در این شرایط که قدرت سیاسی یا در حالت بی‌ثباتی قرار دارد و یا در صورت تمرکز قدرت سیاسی با سرکوبگری با او رفتار می‌کند هیچ‌گونه پناهی برای رقابت و ادامه حیات ندارد زیرا حیات اقتصادی دهقان گیلانی به وضعیت و پویایی اقتصاد کشاورزی وابسته است. اما با وجود برشمردن مقدمات ضروری بالا که در الگوی بسیج منابع چارلز تیلی از عناصر اساسی به شمار می‌آیند، در ادامه می‌بایست یک عامل مهم و مکمل دیگر را که وجود آن شرط ضروری تکمیل فرآیند بسیج منابع است را مورد توجه قرار داد. سازمان، قدرت سازمان دهی و نقش‌آفرینی احزاب سیاسی مشروطه خواه در گیلان و فعالیت متمایز انجمن‌های متعدد محلی در برقراری ارتباط با جنبش دهقانی رمز اساسی کنشگری این جنبش است. مبتنی بر عناصر نظریه بسیج منابع چارلز تیلی و مختصات جنبش دهقانی گیلان، مدل زیر را می‌توان برای تبیین فرآیند بسیج و نقش‌آفرینی جنبش دهقانی در مشروطه گیلان برشمرد:



الگوی شماره دوم زمینه های جنبش دهقانی گیلان در مشروطه

#### ۷-۲. فرآیند شورش دهقانی در گیلان و مقاومت در برابر استبداد ملاکین

با آمدن سردار افخم مشروطه در گیلان به مانند تمام ایران (به جز تبریز) به کلی تعطیل شد. زیرا وی بلافاصله بگیر و ببند شدید را در رشت و انزلی و دیگر ولایات گیلان آغاز کرد. به این دلیل پیدا بود که دیگر مشروطه خواهان و فعالان انجمن های غیر رسمی در گیلان فعالیت علنی نخواستند داشت. (عظیمی، ۱۳۹۶: ۳۷۶) به گفته ی رابینو آقا بالاخان که : همراه او سردار امجد بود با دو توپ اطریشی ته پُر ، چهارصد سرباز و سی و پنج توپچی و سیصد سوار (رابینو ، ۱۳۶۸ : ۴۲)، در حالی که قدرت خود را به رخ می کشید، وارد گیلان شد. سردار افخم با ورودش به گیلان دستور داد رهبران فعالان انجمن های رشت که در دسترس بودند دستگیر و زندانی شوند : رحیم شیشه بر، حسن علاقه بند ، تقی آقا محمد ، جواد ناطق و میر ابوطالب اسدزاده را به جرم تمایلات آزادیخواهی بدون ارتکاب هیچ گناه دستگیر و به زندان افکند (فخرایی، ۱۳۷۱ : ۱۱۰). در طول تابستان ۱۲۸۷ خ سردار افخم در قلع و

قمع مشروطه خواهان فعال رشت و انزلی و شهرهای دیگر گیلان مشغول بود و توانست به طور نسبی همه ی صداها را خاموش کند. به طوری که رایینو در یادداشت های اواخر تابستان ۱۲۸۷ خ خود نوشت: اسم مشروطه دیگر در گیلان برده نمی شود (رایینو، ۱۳۶۸: ۴۳). سردار افخم با سردار امجد و تخمیناً یک هزار سواره و پیاده و دو توپ کوهستانی عازم تالش شدند. در نواحی سفارود گیلان بارندگی افتادند و در ۲۸ سپتامبر [۶ مهرماه ۱۲۸۶] گفتند که آذوقه ی آنها به قلط افتاد و خیلی از سربازهای آنها فرار کردند. کرگانرودی ها میگویند ماها با دولت دعوایی نداریم ، ولی سردار امجد را [هم] به حکومت قبول نداریم (همان : ۴۳) حاکم گیلان در اواخر ماه سپتامبر با عده ای سرباز برای اعاده ی نظم به طرف تالش حرکت نمود ولی به واسطه ی باران شدید نتوانست که پیش برود (کتاب آبی : ۱۱۵)

مسیو ب. نیکیتین کنسول سابق روس ها در رشت می نویسد : تالش ولایتی است منفرد و از ولایات حوالی خود مجزا می باشد. اهالی آن هم هنوز با رژیم ملوک الطوایفی زندگی می کنند و اداره کردن آنها با خوانین کرگانرود است. عده دیگری هم موسوم به بیگ ها هستند که اتصالاً با این خوانین رقابت دارند و چون اهالی به این نوع زندگی عادت کرده و تا اندازه ای از جور مامورین دولتی برکنار هستند استقلال نسبی خود را دوست می دارند و به همین جهت قدری سرکش و ذاتاً آرام نیستند. به محض این که نسیم آزادی در ایران وزید ، یعنی در سال ۱۹۰۹ ، اهالی بر ضد خوانین کرگانرود شورش کرده و عاقبت او را مجبور کردند که به رشت برود (نیکیتین، ۱۳۵۶ : ۱۰۲ و ۱۰۳). در این روزها در بین مردم انتشار پیدا کرده است که اردوی دولتی در تالش شکست قاطعی خورده است و ممکن است سردار افخم [از تالش] مراجعت نماید ، ولی سردار امجد سماجت دارد که نگذارد. من موضوع را از اعظام السلطان ، سوال کردم ، اظهار کردند در جنگ اخیر [جنگ تالش] ، شکست فاحشی خورده اند و سردار [افخم] با اردوی خودش عقب نشینی به طرف بندر انزلی نموده و به رشت خواهند آمد [ولی] سردار امجد مانع است و بین سردارین مشاجراتی روی داده است... طولی نکشید که سردار [افخم] وارد رشت شدند. البته با حالت بسیار پریشانی و [سرباز] زخمی هم زیاد داشتند. از آن روز وضعیت رشت به کلی تغییر کرد... همین روزها بود که سپهدار محمد ولی خان [تنکابنی] از فرونت [جبهه] جنگ دولتی ها با تبریزی ها [ی طرفدار ستارخان] کناره گرفت (اعظام قدسی : ۲۲۶ ۲۲۷-)

آن که از سوابق رفتار و کردار عمید السلطنه سردار امجد در طوالش خمسه و کرگانرود مسبوق باشد و فرعونیت او را در آن صفحات بداند که چگونه مردم بیچاره و حقوق آن‌ها را پایمال اغراض و شهوات خود می‌کرده حتا معاملات همین اواخر اولاد و احفادشان را نسبت به اهالی بیاد آورد بلا تأمل تصدیق می‌کند که آنچه اهالی به املاک و مختصات ایشان کردن حق داشتند و در حقیقت دست انتقامی بود که از آستین غیب بدر آمده... (حبل المتین، س ۱: ش ۲۴۸: ص ۴). فرار سردار امجد تا آمدن سردار افخم به عنوان حاکم گیلان به طول کشید و چنان که قبلا ذکر شد وی به همراه سردار افخم وارد گیلان شد و یکی از دستورهای محمدعلی شاه به سردار افخم بازگرداندن دوباره سردار امجد به حاکمیت تالش بود. (... سردار افخم بر حسب توصیه محمد علی شاه مامور شد سردار امجد را ببرد تالش و او را در آنجا مستقر کند و مخالفینش را گوشمالی داده برگردد) (فخرایی، ۱۳۷۱: ص ۳۹). شاهزاده عباس میرزا ملک آرا برادر ناصرالدین شاه، حاکم گیلان در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ ه. ق. درباره سردار امجد می‌نویسد: یکی دیگر نصرت الله خان عمیدالسلطنه تالشی است که در توالش تسلط سخت دارد و آنچه مخالف داشته، از اقوام و عشایر تالش، همه را به تدریج کشته است و خمسه توالش را به جهت خودش مصفا نموده است. مبلغ گزاف هر ساله به طور چپاول و غارت و جریمه از توالش می‌گیرد و هر وقت نقصی در کارش به هم رسد، پول بسیاری به امنای دولت و جاهای لازم می‌دهد و اصلاح امور می‌شود و حکومت خمسه توالش با اوست. هر ساله پیشکش گزافی حکومت گیلان می‌دهد و حکومت خمسه توالش را برمی‌دارد و مقدار سوار توالش که از دولت موظفند، ابواب جمع اوست و خمسه توالش عبارت است از کرگانرود، اسالم، تالش دولاب، شاندرمن و ماسال (آقاجانی، ۱۳۷۸: ۶۳۵ و ۶۳۶ به نقل از نوایی: ۱۹۴).

فخرایی درباره ساختار امجد می‌نویسد: یکی از فئودال‌های معروف گیلان که از دوره ناصرالدین شاه در تالش حکومت می‌کرد، نصرت الله خان عمیدالسلطنه بود که بعدها به سردار امجد ملقب گردید. کاسایوفسکی، فرمانده بریگاد قزاق مامور خدمت در ایران، در خاطراتش می‌نویسد: امیر تومان عمیدالسلطنه شاه گیلان به حساب می‌آید و تالشها بی‌چون و چرا در اطاعت اویند و اگر سپاهی مهمتر سپاه شاه در اختیار می‌داشت تالش‌ها به اشاره او با شاه به جنگ می‌پرداختند. (فخرایی، ۱۳۷۱: ۳۹).

حبل المتین در شماره ۲۱ به تاریخ چهارشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.، درباره ظلم ارفع السلطنه به تالش‌ها می‌نویسد:

(تلگراف مخصوص اداره) / از انزلی - به تهران اداره حبل المتین. در تالش ارفع السلطنه بر ضد مشروطه بیداد می‌کند. رعایا از ظلم چهل ساله آن خانواده به ستوه آمده، الان این خبر به انجمن انزلی رسیده، در تلگرافخانه ازدحام غریب است (ابوذر). نشریه انجمن تبریز در روز شنبه رجب المرجب ۱۳۲۵ ه.ق، تلگرافی از فرقه مجاهدین انجمن عمومی رشت در شماره ۱۱۹ خود، درباره ظلم عمیدالسلطنه و پسرش منتشر می‌کند که به شرح زیر است: توسط فرقه مجاهدین به حضور مبارک وکلای انجمن ملی تبریز دامت شوکتهم. عمیدالسلطنه از تهران، ارفع السلطنه از کرگانرود، داد از نهاد اهالی کرگانرود بیرون آورده‌اند. تا امروز به موجب تلگرافات عدیده و تحقیقات لازمه، ۴۰ نفر زن و مرد صغیر و کبیر کشته شده؛ یعنی فدای استبداد این پدر و پسر گردیده‌اند. گمان داریم اهل کرگانرود هم اهل شریعت و ایرانی در ظل شورای اسلام (یک کلمه ناخوانا) باشند. چوب هم زدن یک نفر تنکابنی اسباب تحریک عرق نوعیت ابناء دارالشوری کبری دامت تاییداتهم شد و احقاق حق فرمودند تا امروز کرگانرود ناله میکند ۴۰ نفر زن و مرد کشته شده، آیا رواست باز مردم اسیر تعدیات دو نفر ملت باشند؟ از فدویان اظهار است امیدواریم همت بلند هموطنان غیور وطن پرست آذربایجان با مظلومین هم ناله شوند (فرقه مجاهدین انجمن عمومی رشت) (انجمن تبریز، ۱۳۷۴: ۴۲۸).

شکست سردار افخم و بازماندن سردار امجد که به پشتوانه اقتدار بالاخان قصد بازپس گیری املاک خود در تالش را داشت مقدمه شکست سردار افخم خان در رشت گردید.

### نتیجه گیری:

در فرآیند نقش آفرینی مردم گیلان در انقلاب مشروطه، جنبش دهقانی برخلاف سایر نقاط ایران حضور موثر و مستمر دارد. ما در این فصل مشارکت سیاسی دهقانان و استمرار نقش آفرینی شان در الگوی بسیج منابع چارلز تیلی را از زمان عزل ظهیرالدوله تا مقاومت رعایای تالش علیه سردار افخم و سردار امجد که به شکست نماینده قدرت دولت مرکزی انجامید مورد بررسی قرار دادیم. اهمیت مقاومت دهقانان علیه ملاک ستمگر سردار امجد که مورد حمایت سردار افخم بود در مقدمه سازی آن برای کودتای رشت است، کودتای که با سقوط قدرت رسمی در گیلان شرایط را برای حرکت مجاهدین گیلان به سمت تهران و فتح پایتخت مهیا می‌سازد.

همزمان با اعتراضات در شهرهای بزرگ برخی از رعایا در روستاهای آذربایجان و گیلان دست به شورش زدند اما اعتراض روستایی در آذربایجان تداوم نداشت و با سرکوب شدید از مسیر نقش

آفرینی خارج گردید. در گیلان جنبش دهقانی با سرکوب حاکم محلی و فرستاده محمدعلی شاه نه تنها کناره‌گیری نکرد بلکه در این فصل نشان دادیم که دهقانان در لحظه خاموشی حرکت در مرکز استان یعنی رشت توانستند با مقاومت خود مقدمات کودتا را فراهم سازند. مقصود از مفهوم جنبش دهقانی در جغرافیای گیلان صرفاً به کشاورز یا دهقان وابسته بر زمین اطلاق نمی‌شود. علاوه بر زمین سایر ابزارهای تولید در گیلان به فعالیت مردم تنوع می‌بخشد که ما اعتراضات آنان را نیز در راستای جنبش دهقانی دسته‌بندی می‌کنیم. صیادان و قایقران مشارکت‌کننده در اعتراضات انزلی و سایر نقاط استان مصداق همین نظر است که می‌بایست جنبش دهقانی را در گیلان فراتر از کشاورز متکی بر زمین ارباب دانست. این خصوصیت به جغرافیای گیلان بازمی‌گردد. ضمن حاصلخیزی زمین، دسترسی آسان به آب، نزدیکی روستاهایی متعدد به یکدیگر بطوری که بین روستاهای گیلان نظیر دهات مرکزی کشور کیلومترها فاصله وجود ندارد، از عوامل شکل‌دهنده و قدرت‌بخش به اعتراضات در این منطقه است. همین ویژگی جغرافیایی یعنی دسترسی آسان و بدون فاصله روستاها امتیاز بزرگی برای هم‌افزایی، اجتماع و حمایت از یکدیگر را فراهم می‌ساخت. احساس هویت جمعی، منافع مشترک روستاییان برای رها شدن از سلطه ملاکین ستمگر مهمترین عوامل در الگوی بسیج منابع می‌باشند. در روستاهای گیلان به سبب نرخ ظالمانه تنزیل، سلطه مالکین بر محصول نهایی کشاورز و عدم به رسمیت شناختن حقوق روستاییان که از نظر جمعیت اکثریت جامعه را شکل می‌دادند این طبقه را در اعتراض علیه قدرت به هویت و منفعت مشترک سوق می‌داد. نظام مالکیتی و توزیع ثروت در ایران اختیار و قدرت کامل حیات فردی و سیاسی را به مالک واگذار می‌کرد.

نوع کنش‌گری جنبش دهقانی در گیلان به سال‌ها ظلم ملاکین که مورد حمایت قدرت سیاسی قرار داشتند به نسبت سایر نقاط کشور تفاوت‌هایی داشت. تعدد شورش‌های دهقانی، قیام علیه خوانین و ملاکین، نپرداختن بهره‌ی مالکانه، زدو خورد و درگیری با مالکان و اخراج آنان از روستاها، و تشکیل انجمن‌های روستایی روش‌های اعتراض گروه‌های مدعی را نشان می‌دهد. گروه مدعی قدرت در الگوی فرآیند سیاسی چارلز تیلی آن بخش از جامعه است که در وضعیت انقلابی قدرت را به چالش می‌کشاند. اما دلیل این تفاوت کنش‌گری جنبش دهقانی گیلان نیز به محیط جغرافیایی بازمی‌گردد. این جغرافیا هم به جهت محیطی و وسعت جنگل‌ها، پوشش مناسبی برای دفاع و گریز از قوای محلی و ملاکین بود و هم از جهت جغرافیای سیاسی-فرهنگی متأثر از تحولات روسیه پیش‌میرفت. مساله تعدد و کثرت شورش‌های دهقانی در گیلان در تغییر پی در پی حکام مصوب قدرت

مرکزی نقش دارد. تغییر مدام حکام با فاصله زمانی کوتاه در گیلان به ایجاد فضای عدم ثبات سیاسی دامن می‌زد و کنش اجتماعی مردم را توسعه می‌داد. یکی از دلایل پیشتازی گیلانیان در انقلاب مشروطه در مقایسه با سایر استان‌ها همین فضای عدم ثبات سیاسی و افزایش کنش اجتماعی در طول تاریخ سیاسی این منطقه است. اما علت یابی در انگیزه‌ها و مشارکت جنبش دهقانی گیلان در مشروطیت به میزان آگاهی آنان از اهداف مشروطه باز نمی‌گردد. دهقان گیلانی بطور کلی مفهوم مشروطه و نظام ایده‌آل منتج از آن را نمی‌شناخت. در این مقاله تلاش اصلی نشان دادن همین روش اعتراض و مسیر بسیج منابع علیه قدرت سیاسی بود. نمونه مورد نظر تحولات و مقاومت تالش در برابر ملاک قدرتمند آن منطقه سردارامجد است. پس از صدور حکم سردار افخم توسط محمدعلی شاه به حکومت گیلان، انتظار شاه از وی سرکوب مشروطه خواهان گیلانی بود، امری که حاکم پیشین ظهیرالدوله در تحقق آن به توفیق دست نیافت. سردارافخم با ورود مقتدرانه به رشت و بازداشت مشروطه خواهان توانست فضای اختناق و هراس عمومی را به گونه‌ای ایجاد کند که به تعبیر رابینو اثری از مشروطه در گیلان باقی نماند. پس از این موفقیت اولیه تلاش سردار افخم بازگرداندن سردار امجد به عنوان ملاک بزرگ تالش بر اریکه قدرت و تصاحب زمین‌ها بود. مقاومت دهقانی در تالش و شکست سردار افخم از دهقانان، مقدمه سقوط رشت و کودتای علیه او را با احیا روحیه مشروطه خواهان سرکوب شده فراهم ساخت. در نتیجه اگر فتح تهران توسط مجاهدین گیلان مقدمه احیا مشروطیت به حساب می‌آید، قیام و مقاومت تالش نیز مقدمه کودتای علیه سردارافخم توسط کمیته ستار و به بدست گرفتن قدرت در رشت می‌باشد. یکی از بسترها و مجرای تحقق بسیج منابع در دیدگاه چارلز تیلی احزاب و انجمن‌ها هستند، نقش آفرینی جنبش دهقانی در این بستر قابل درک است.



**کتابنامه:**

۱. استن، تیلور (۱۳۸۸) علوم اجتماعی و انقلابها، ترجمه: علی مرشدی زاد. تهران: دانشگاه شاهد.
۲. اعظام قدسی، حسن. (۱۳۴۲). خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله ی ایران. ج ۱. تهران: چاپخانه حیدری.
۳. آفاری، ژانت (۱۳۸۵) انقلاب مشروطه ایران. ترجمه: رضا رضایی. تهران: نشر بیستون.
۴. آقابخشی □ علی و افشاری ، راد (۱۳۷۹) فرهنگ علوم سیاسی □ تهران: چاپار.
۵. آقاجانی تالش، عبدالکریم. (۱۳۷۸) جستارهایی در تاریخ تالش در گستره ی ایران. جلد دوم. تهران: نشر آنا.
۶. آلن بیل، جیمز (۱۳۸۷). سیاست در ایران گروه ها، طبقات و نوسازی. مترجم: علی مرشدی زاد. تهران: نشر اختران.
۷. بشیری احمد (۱۳۶۷) کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ناشر: نور.
۸. پناهی، عباس. (۱۳۹۳). مجموعه مقالات تاریخی سیاسی مشروطه گیلان. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
۹. پورمحمدی، املشی، نصرالله. (۱۳۸۶) نگرش جامعه شناختی به جنبش های روستایی گیلان در عصر مشروطه. فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ سال دوم شماره هفتم.
۱۰. تیلی، چارلز. (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب. مترجم: علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۱. تیلی، چارلز. (۱۳۹۶) جنبش های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۸. ترجمه: علی مرشدی زاده. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول.
۱۲. جانستون، هنک. (۱۳۹۸) جنبش اجتماعی چیست؟ مترجمان: سعید کشاورزی، مریم کریمی. تهران: نشر ثالث. چاپ سوم.
۱۳. جعفریان، رسول. (۱۳۸۵). درک شهری از مشروطه: مقایسه حوزه مشروطه اصفهان و تبریز، مدرسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.

۱۴. رابینو، لویی (۱۳۶۸) مشروطه گیلان، به کوشش محمد روشن، رشت: انتشارات طاعتی؛ چاپ اول.
۱۵. روزنامه انجمن تبریز (۱۳۷۴). تهران: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، جلد اول.
۱۶. عظیمی، ناصر (۱۳۹۶). تاریخ گیلان از ورود شاه عباس اول به گیلان تا پایان انقلاب جنگل. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
۱۷. فاخته، قربان، (۱۳۷۱). اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان در آستانه انقلاب مشروطیت. گیلان نامه (مجموعه مقالات گیلان شناسی). به کوشش م. پ. جکتاجی. جلد سوم. رشت: نشر طاعتی.
۱۸. فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱) گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چاپ سوم
۱۹. فومنی، عبدالفتاح. (۱۳۵۳). عطاالله تدین تاریخ گیلان در نهضت مشروطیت. تهران: فروغی.
۲۰. کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ویراستار: احمد بشیری، ناشر: نو
۲۱. کرزن، جرج. ن (۱۳۶۲). ایران و قضیه ی ایران ترجمه: غ. وحید مازندرانی، چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. مور، برینگتن. (۱۳۷۵). ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دمکراسی، ترجمه دکتر حسین بشریه. چاپ دوم تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. نش، کیت (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران.
۲۴. نیکتین، موسیوب، (۱۳۵۶). خاطرات و سفرنامه موسیوب نیکتین کنسول سابق روسیه در ایران. ترجمه: علی محمد فره وش. تهران: کانون معرفت.
۲۵. هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۰). روضه الصفای ناصری به تصحیح جمشید کیان فر جلد ۹ تهران اساطیر.
۲۶. پیران، پرویز (۱۳۸۴) فقر و جنبش های اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۴ سال پنجم شماره ۱۸.

۲۷. پورمحمدی، املشی، نصرالله. نگرش جامعه شناختی به جنبش های روستایی گیلان در عصر مشروطه. فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ سال دوم شماره هفتم صفحه ۵۸.
۲۸. دهقان نژاد، مرتضی. رستمی مهدی بررسی تحلیل زمینه ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، بر اساس «مدل بسیج» چارلز تیلی (۱۳۵۷-۱۳۴۰)، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، سال یازدهم شماره ۴۰ پاییز ۱۳۹۶
۲۹. هراتی، محمد جواد، حسینی، آسیه. امکان سنجی نظریه بسیج منابع در انقلاب های تونس و لیبی. نشریه سیاست جهانی، زمستان ۱۳۹۸ شماره ۳۰.
۳۰. جبل المتین ش ۲۱ چهارشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵
۳۱. روزنامه آموزگار، ۱۳۲۹ق: ش ۲، ۳
۳۲. روزنامه ی انجمن تبریز ، ۱۳۲۴ ، شماره ۶۳
۳۳. نسیم شمال، ۱۳۲۷: ش ۴/۵۴